

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت روز جهانی زن

## هشتم مارس، روز همبستگی و رزم مشترک زنان خجسته باد!

فرهنگی و اجتماعی و تاریک اندیشی دارد. هشتم مارس، روز ارج نهادن به دست آورد های پیکار همه جانبه زنان برای صلح، آزادی های دموکراتیک و برابری حقوق در سراسر جهان است. امسال ۹۴ سال از نخستین برگزاری روز ۸ مارس می گذرد. طی این سال ها زنان سراسر جهان برای دستیابی به حقوق خود مبارزه دشوار و غرور آفرینی را پشت سر گذارده اند. ایفای نقش تعیین کننده در حیات سیاسی، اجتماعی،

ادامه در صفحه ۴

زنان آگاه و مبارز ایران!

حزب توده ایران فرخنده روز هشتم مارس را که تجلی وحدت و یگانگی زنان همه جوامع در راه مبارزه برای صلح و آزادی، برابری حقوق با مردان و برضد نابرابری های اجتماعی است، به همه شما شادباش می گوید.

هشتم مارس، روز پیوند و یگانگی زنان گیتی در پیکار همه جانبه برای رها ساختن جامعه انسانی از پدیده های نا همگون با زندگی در ابتدای هزاره سوم و بندهایی است که ریشه در جهل، عقب ماندگی



شماره ۶۸۲، دوره هشتم  
سال بیستم، ۲۶ اسفند ماه ۱۳۸۲

پیام نوروژی کمیته مرکزی حزب توده ایران

## نوروزتان فرخنده و رزم مشترکمان بر ضد رژیم ستمکار و ضد مردمی پیروز باد!



هم میهنان گرامی! کمیته مرکزی حزب توده ایران فرا رسیدن سنت خجسته نوروز، جشن کهن سال نیاکان ما، جشن پیروزی نیکی بر پلیدی و جشن چیره شدن کاوه آهنگر، نماد دیرینه رزم و عزم توده های ستم کشیده، بر ضحاک های تاریخ، جشن نو شدن طبیعت و زوال تاریکی و کهنگی را به همه شما، کارگران و زحمتشکان، زنان، جوانان و دانشجویان میهن تبریک می گوید و امیدوار است که سال نو، سال تجهیز و گسترش پیکار بر ضد رژیم استبدادی حاکم و سال پشت سر گذاشتن نشیب هایی باشد که در سال ۸۲ شاهد آن بودیم.

سال ۱۳۸۳ در حالی آغاز می شود، که ارتجاع حاکم سرمست از «پیروزی» کودتای شبه نظامی اسفندماه و پاکسازی وسیع مخالفان از مجلس هفتم، یورش گسترده بی را برای باز پس گرفتن دست آوردهای هر چند محدود جنبش اصلاح طلبی آغاز کرده است. یورش مجدد به روزنامه ها و نشریات منتقد، به محاکمه کشیدن فعالان جنبش دانشجویی به جرم

«اقدام بر ضد امنیت ملی و تشویش اذهان عمومی»، هرچه بیشتر محدود کردن امکان خیر رسانی آزاد، از جمله بستن پایگاه های اینترنتی، و همچنین پیگرد وسیع مخالفان و تهدید آنان به محاکمه و زندان بخشی از برنامه واحدی است

که از ماه ها پیش به مرحله اجرا گذاشته شده است و به قول جنتی، سخنگوی منفور ارتجاع، نود درصد اهداف آن تاکنون تحقق یافته است.

ادامه در صفحه ۶

حزب توده ایران بمب گذاری های تروریستی  
در مادرید را محکوم می کند در صفحه ۳

امنیت شغلی زحمتکشان قربانی بر نامه های  
ضد ملی خصوصی سازی در صفحه ۲

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری  
برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

## امنیت شغلی زحمتکشان قربانی برنامه های

### ضد ملی خصوصی سازی

علی خامنه ای: خصوصی سازی باید با قدرت و سلامت دنبال شود.

سازمان خصوصی سازی: با رونق بازار، واگذاری های بزرگ در

صنایع نفت، فولاد، نیروگاه های برق را آغاز می کنیم.

نیست، جز واگذاری ثروت ملی به بنیادهای انگلی! آستان قدس رضوی با توجه به برنامه خصوصی سازی در پی به چنگ آوردن مجتمع بزرگ پتروشیمی اراک است. این بنیاد انگلی و زالو صفت هم اکنون در انتظار و بهتر گفته باشیم تصاحب قانونی پتروشیمی اراک نشسته و مقدمات کار را با سازمان خصوصی سازی به پایان برده است. بنیاد مستضعفان نیز یکی از پرسودترین واگذاری ها به بخش خصوصی را به خود اختصاص داد. نیروگاه زرگان طی برنامه خصوصی سازی سالم و دقیق به این بنیاد سپرده شد.

همه ماجرای خصوصی سازی به اینجا ختم نمی شود در کنار بنیادهای غارتگر، سپاه پاسداران نیز از این نمذ برای خود کلاه می دوخته است! به گزارش رسانه های همگانی فرمانده سپاه اعلام داشته سپاه پاسداران در بیش از ۲۰۰ طرح حضور دارد و مشارکت آن به عنوان پیمانکار و بخش خصوصی در رشته های گوناگون قابل توجه است! به گفته رحیم صفوی سپاه پاسداران در چندین طرح نفتی مهم نقش دارد از جمله سپاه در جزیره خارک به عنوان پیمانکار در حال ساختن مخازن عظیمی است که هر یک ۳۰ متر ارتفاع دارد و گنجایش ذخیره سازی ۱ میلیون بشکه نفت را داراست. همچنین ساخت بزرگترین بندر صادراتی فرآورده های پتروشیمی در منطقه پارس جنوبی، ساخت و راه اندازی بزرگترین سد خاکی در شمال شهرستان شوشتر (گتونه علیا)، ساخت سد در شهر مسجد سلیمان و ساخت و کارگزاری لوله های عظیم برای انتقال آب آشامیدنی به شهر قم از دیگر فعالیت های سپاه پاسداران است. پیامد این برنامه خصوصی سازی برای میلیون ها تن از مردم میهن ما فقر و تیره روزی بوده است. زحمتکشان فکری و یدی کشور قربانیان اصلی این برنامه می باشند.

چندی پیش معاون توسعه و سرمایه انسانی سازمان مدیریت و برنامه ریزی صراحتاً یاد آور شد، دولت در مجموع در بخش های آموزش و پرورش و بهداشت و درمان، آموزش عالی، نیروهای انتظامی و دفاعی، بیش از ۳ میلیون حقوق بگیر دارد. به علت وضعیت موجود، امکان افزایش حقوق و مزایای این کارکنان وجود ندارد، زیرا افزایش حقوق برای دولت بار مالی پدید می آورد.

اوضاع زحمتکشان چنان وخیم و زندگی آنان در چنبره فقر گرفتار آمده است که حتی علیرضا محجوب مهره آبرو باخته رژیم ولایت فقیه به عنوان دبیر کل خانه کارگر زبان به اعتراف گشوده و می گوید: جامعه کارگری (بخوان طبقه کارگر) همه چیز خود را از دست داده و اکنون فقط برای حفظ نام کارگر مبارزه می کند، اگر اقدامات لازم را در دفاع از آرمان هایمان به عمل نیاوریم، هیچ چیز برایمان باقی نخواهد ماند. با شتاب گرفتن برنامه خصوصی سازی، اخراج ها و بازخریدها و درعین حال سقوط سطح زندگی کارگران و زحمتکشان به نحوی چشمگیر افزایش یافته است. دبیر اتحادیه کارگران صنایع آب و برق در ارتباط با خصوصی سازی در وزارت نیرو، تاکید کرده، از هم اکنون سخن از اخراج به عنوان نیروی کار مازاد هست، ما در برابر اخراج ها ایستادگی خواهیم کرد.

در هفته های پایانی سال ۸۲، با اصلاح ساختار سازمان خصوصی سازی اجرای مجموعه برنامه هایی که تحت عنوان اصلاح ساختار اقتصادی کشور تدوین شده، وارد مرحله نوینی گردید.

طهماسب مظاهری وزیر اقتصاد رژیم ولایت فقیه در گفتگویی با روزنامه نگاران بر عزم حاکمیت برای خصوصی سازی به ویژه در عرصه هایی نظیر بانکها، صنعت بیمه و برخی صنایع کلیدی و مادر همچون پتروشیمی تاکید دوباره کرد. سازمان خصوصی سازی نیز همزمان با انتشار بیانیه بی اعلام داشت، طی سال ۸۲ خورشیدی، این سازمان ۶۹ درصد بیشتر از گذشته سهام به بخش خصوصی واگذار نموده و تعداد سهام واگذار شده از مرز ۵۱۳ میلیون برگ سهم گذشته است. به تصریح همین سازمان، در هفته پنجاه و یکم سال ۸۲ خورشیدی سازمان خصوصی سازی به نمایندگی از شرکتهای مادر تخصصی سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، ساتکاب، سازمان توسعه و نوسازی معادن، سازمان صنایع ملی معدنی ایران و شرکت ملی پتروشیمی و شرکت ساخت و راه اندازی شهرک های صنعتی، میلیون ها برگ سهم واگذار نموده که ارزش آن بالغ بر ۸۳۳ میلیارد و ۶۰۷ میلیون تومان می شود.

بعلاوه در جریان نخستین همایش حسابرسی ایران، معاون کل وزیر اقتصاد در بخشی از سخنان خود خاطر نشان ساخت، برای واگذاری شرکتهای وابسته به دولت در رشته های هواپیمایی، خودرو، فولاد و برق و نیروگاه های مختلف به بخش خصوصی برنامه ریزی دقیقی صورت گرفته است. از هم اکنون سازمان خصوصی سازی برای سال ۱۳۸۳ خورشیدی، برای واگذاری ۲۲۰۰ میلیارد تومان سهم و دارایی دولتی در حال برنامه ریزی و سازماندهی امور است.

وی با تاکید بر این نکته که، هیچگونه مخالفت و مقاومتی در برابر برنامه خصوصی سازی در دولت، مجلس و دیگر نهادها وجود ندارد، متذکر شد، رهبر جمهوری اسلامی، علی خامنه ای در دیدار با گروهی از صنعتگران رهنمودی صادر کرده است که، خصوصی سازی باید با قدرت و سلامت دنبال شود.

درست بر پایه چنین رهنمودهایی است که، برنامه خصوصی سازی با شتابی بیش از گذشته در حال اجرا است. در واقع برنامه چهارم توسعه، چارچوب قانونی این برنامه قلمداد می شود. در این خصوص باید از خصوصی سازی بسیار گسترده در صنایع هواپیمایی نام برد که، از ابتدای سال ۸۳ خورشیدی تحقق می یابد. صنایع نفت و گاز نیز در دستور کار قرار دارد، مدیران ارشد وزارت نفت، رئیس و نایب رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، جملگی بر این امر تاکید ورزیده اند. در برنامه خصوصی سازی صنعت نفت، طرح تجاری سازی آن در وهله اول در نظر گرفته شده، یکی از مدیران سازمان مدیریت و برنامه ریزی در این باره یادآور گردیده، ابتدا برپایه اصل تجاری سازی، حق تملک مالکانه از شرکت ملی نفت اخذ خواهد شد و این به منزله گام نخست در خصوصی سازی این صنعت است. وزارت نیرو نیز با خصوصی سازی گسترده رو به رو است. روابط عمومی این وزارتخانه اعلام داشته، طی سه ماهه اول سال ۱۳۸۳ خورشیدی، واگذاری ۵۰ شرکت این وزارتخانه قطعی شده است. جالب اینجاست، این خصوصی سازی ها که، نام و اصطلاح برنامه ریزی شده، دقیق و باسلامت به آن داده اند، چیزی

## ادامه امنیت شغلی زحمتکشان ...

تعطیلی و رکود واحدهای صنعتی و تولیدی از دیگر پیامدهای خصوصی سازی قلمداد می شود. فقط در طول سه ماه ۳ واحد تولیدی به نام های پارس چرخ، ایران کرک و جهان نما در استان قزوین تعطیل شده، و دهها کارگر بیکار شده اند. ۹۰۰ کارگر سد استور در آذربایجان در شرایط ناگواری قرار دارند و امنیت شغلی آنها مورد دستبرد قرار گرفته است. کارخانه اهواز فانوس، تولید کننده دکل و چراغ روشنایی با رکود دست و پنجه نرم می کند و کارگران آن ۴ ماه دستمزدی دریافت نکرده اند. در استان خراسان طی یکسال بله، فقط یکسال ۲۰ هزار کارگر شغل خود را از دست داده و بیکار شده اند. به گفته نماینده کارگران شرکتهای خصوصی، کارگران را به صورت قراردادی استخدام و پس از مدت کوتاهی اخراج می کنند، کارخانه های بزرگ نیز با دستاویز قرار دادن ماده ۱۴۱ قانون تجارت، خط تولید خود را تعطیل و پس از اخراج کارگران و استخدام بخشی از آنها به عنوان کارگر قراردادی دوباره مشغول فعالیت می شوند. هیچ نهاد و وزارتخانه ای هم به مشکل کارگران رسیدگی نمی کند. همین واحد تولیدی بزرگ استان ایلام با بیش از ۴۵۰ کارگر در حال رکود و تعطیلی کامل است. مجتمع کارخانجات چوب اسالم در استان گیلان که به نوبه خود یکی از بزرگترین کارخانه های صنایع چوب خاورمیانه است در وضعیت مشابهی بسر می برد و کارگران و کارمندان آن در شرایط ناگوار قرار دارند.

طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان در برابر این وضعیت فوق العاده دردناک دست به مقاومتی سخت زده اند. تنها در ۲ ماه گذشته در تهران، اصفهان، تبریز، رشت، مشهد و کرمانشاه دهها اعتصاب به وقوع پیوسته. اعتصاب کارگران نساجی پارس، شرکت شهرداری گیلان، شرکت هود واقع در رشت، اعتصاب کارگران پروژه دانشگاه لرستان، اعتصاب بخشی از کارگران ذوب آهن اصفهان و نیز اعتصاب پرستاران و کارکنان بیمارستان فیروزآباد شهر ری و سرانجام اعتصاب فرهنگیان کشور، از جمله این حرکات اعتراضی هستند. در ارتباط با مبارزه کارگران و مجموعه حقوق بگیران بر ضد برنامه های خصوصی سازی، اخیراً خانه کارگر دست به مانوری عوام فریبانه زده است. این نهاد وابسته به رژیم در یک موضع گیری صریح از زبان دبیر کل خود موافقت خود را با خصوصی سازی تحت عنوان خصوصی سازی با نظارت و برنامه ریزی شده اعلام داشته و علت آن را هم اختصاص تعدادی سهم به کارگران از سوی سازمان خصوصی سازی عنوان نموده است. بر اساس تبلیغات عوام فریبانه خانه کارگر، از این پس با اختصاص سهم به زحمتکشان، امنیت شغلی آنها در برابر فرآیند خصوصی سازی تامین و تضمین می شود. در این باره باید متذکر شویم اینگونه برخورد کردن به مساله و ساده انگاشتن آن فقط و فقط خاک به چشم کارگران پاشیدن است. خصوصی سازی در چارچوب برنامه چهارم توسعه صورت می گیرد سهم ترجیحی به زحمتکشان حتی اگر صورت واقعی به خود بگیرد، نمی تواند، مانع از تعدیل نیروی انسانی یعنی اخراج کارگران شود. در تبصره ها و مواد متعدد برنامه چهارم توسعه از جمله در بند د ماده ۸۳ بند الف ماده ۸۲ به صراحت از اخراج ها به عنوان تطبیق با نیازهای اقتصاد جهانی نام برده شده است. به بیان روشن، نابودی امنیت شغلی زحمتکشان نتیجه مستقیم و مشخص سمت گیری اقتصادی - اجتماعی رژیم ولایت فقیه است که خصوصی سازی یکی از محورهای آن است. نمی توان از چنین خصوصی سازی حمایت کرد و از دیگر سو ادعای دفاع از حقوق و منافع صنفی - رفاهی زحمتکشان را داشت!

## حزب توده ایران بمب گذاری های

## تروریستی در مادرید را محکوم می کند

بمب گذاری تروریستی در قطارهای مسافری و سیستم راه آهن و متروی مرکزی مادرید در پنجشنبه ۱۱ مارس منجر به کشته شدن بیش از ۲۰۰ نفر و مجروح شدن بیش از هزار و دویست شهروند اسپانیایی گردید. سازمان دهندگان این فاجعه تروریستی با برنامه ریزی دقیق ده بمب پر قدرت را در قطارهای مسافری در لحظاتی که به ایستگاه مرکزی مادرید می رسیدند، بطور همزمان منفجر کردند. آن ها کار اهریمنی خود را طوری برنامه ریزی کرده بودند که حداکثر تلفات را ببار بیاورد. قربانیان بی گناه این عمل جنایتکارانه که در پر از دحام ترین لحظات ایستگاه راه آهن انجام پذیرفت عمدتاً کارگران و کارمندان و دانشجویان بودند که در مسیر محل های کار، ادارات و دانشگاه های خود در تردد بودند.

مردم و نیروهای مترقی و مردمی اسپانیا همگی این عمل تروریستی و بانیان جنایتکار آن را شدیداً محکوم کرده اند. افکار عمومی جهان همانگونه که درست ۳۰ ماه قبل از آن در ۱۱ سپتامبر حمله تروریستی به برج های «مرکز تجارت جهان» در نیویورک نشان داده بود، یکپارچه طراحان و عمال این جنایت دهشتناک را محکوم کرده و وسیع ترین همبستگی با قربانیان این فاجعه، خانواده های آنان و مردم اسپانیا را ایجاد کردند. این اقدامات جنایتکارانه که با هیچ معیاری قابل توجیه نمی باشد، بار دیگر شرایطی را بوجود آورده که نیروهای جنگ طلب و انتقام جو بر پایه هیستری ایجاد شده در پس از این عملیات، بطور گسترده تری سیاست های استوار بر انگیز و سرکوبگرانه خود را توجیه کنند. دست نیروهای اهریمنی در پشت این فاجعه و شباهت های ارگانیک آن با حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر به نیویورک و واشنگتن را باید با شجاعت افشاء کرد. عملیات تروریستی با هر بهانه و با هر توجیهی که انجام پذیرد هیچ کمکی به حل مشکلات انبوهی که در مقابل جامعه بشری قرار دارد، نخواهد کرد. ما در این لحظات دشوار همدردی خود را با مردم اسپانیا ابراز داشته و همبستگی عمیق خود را با زحمتکشان و نیروهای مترقی این کشور اعلام می کنیم. حزب توده ایران هم زبان با جنبش صلح جهانی خواهان حل همه اختلافات بین المللی از طریق مذاکره و بر پایه احترام به حق حاکمیت خلق ها، خودگردانی و نظم بین المللی بر پایه صلح، دموکراسی و عدالت اجتماعی است. حزب توده ایران بار دگر اعتقاد عمیق خود به ضرورت ریشه یابی معضلات جدی کنونی جهان از قبیل فقر، جنگ و بی عدالتی، و ارائه راه حل های پایدار و دموکراتیک برای آن ها را به مثابه تنها راه منطقی مقابله با تروریسم، اعلام می کند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۲۲ اسفند ماه ۱۳۸۲

## ادامه اعلامیه کمیته مرکزی به مناسبت ۸ مارس ...

اقتصادی و فرهنگی جهان، حضور زنان در صف اول مبارزه برای دستیابی به استقلال اقتصادی - اجتماعی و رهایی از بندهای پوسیده قوانین ضد مردمی که به زن به عنوان کالا می نگرد، بخشی از مبارزه دشوار و عظیمی است که زنان و نیروهای مترقی جهان به پیش برده اند و به دست آوردهای مهمی نیز نائل آمده اند.

زنان میهن ما امسال در شرایطی به استقبال این روز فرخنده می روند که بحران سیاسی - اجتماعی همچنان بر میهن ما سنگینی می کند و رژیم ارتجاعی در تلاش است که با باز پس گرفتن سنگرهایی که طی سال های اخیر از دست داده بود و با تشدید فشار و جو خفقان و فعال کردن گروه های فشار جنبش مردمی را به سکوت و خانه نشینی وادار کند. سران رژیم ولایت فقیه با بهره گیری از اشکال و شیوه های خشونت بار فاشیستی سرکوب می کوشند تا زحمتکشان میهن، زن و مرد، را به قبول سیستم سیاسی اجتماعی عقب گرایی که ریشه در قرون وسطا دارد، وادارند و آن ها را به بردگان حلقه به گوش تبدیل کنند. بدیهی است که در جامعه یی که حقوق بشر در همه عرصه های گوناگون آن نقض می شود، نابرابری زن و مرد نیز امری عادی باشد. سران واپس گرای رژیم با کرات و با وقاحت در کعبه عقاب مانده خود از حقوق اجتماعی زنان و مسایل مربوط به فعالیت پر بار و برابر حقوق آنان در حیات جامعه را به نمایش گذاشته اند و پنهان نکرده اند که در دستگاه قرون وسطایی و تاریک اندیش اعتقاداتشان زنان میهن ما موجوداتی بی حقوق و اسیر حصارهای تنگ و ضد انسانی اند.

زنان مبارز و آگاه!

ما در حالی به استقبال برگزاری هشتم مارس، روز جهانی زنان می رویم که ورشکسته گان سیاسی حاکم که آگاهند هیچ مقبولیتی در افکار عمومی میهن ندارند، با تبدیل انتخابات مجلس هفتم به انتصاب نمایندگان گوش به فرمان و وسعت فاصله خود با توده ها را به نمایش گذاردند. از تبعات چنین حرکت رسوایی همین بس که اشاره کنیم که در مجلس هفتم حتی آن تعداد انگشت شمار نمایندگان زنی که در چهار سال گذشته کوشیدند که در چارچوب تنگ سیاسی حاکم ابعادی از بی عدالتی جاری در عرصه های اجتماعی و ستم جنسی را تصویر کنند و صدائی هرچند نارسا برای دردهای زنان باشند، در مجلس حضور نخواهند داشت.

اما چه باک که مبارزه قانونمند زنان میهن در ربع قرن اخیر چنان در عمق جامعه ریشه دوانده، و حضور مبارزان زن در عرصه های مطبوعات، مبارزه حقوق بشر، افشاء تعدیات حکومتی، تصحیح قوانین، آنچنان گسترده و کارآ است، که تنها خفاشان تاریک اندیش رژیم ولایت فقیه عاجز از دیدن آن هستند. زنان میهن ما بسیار تجربیات از صحنه های مبارزه بغرنج چند ساله اخیر اندوخته و عیار واقعی سیاست نیروهای اصلاح طلب در نمایندگی خواسته های جنبش مردمی را در آزمون انواع دشواری ها سنجیده اند. ولی جای هیچگونه تردیدی نیست که امروز در پی مبارزات افشاگرانه نیروهای مترقی و پیکار متهورانه زنان ایران بر ضد تعدیات رژیم حاکم، مسائل مربوط به زنان میهن در مرکز توجه افکار و مراجع صلاحیت دار بین المللی قرار دارد.

زنان مبارز ایران!

شما که در همه مبارزات تعیین کننده تاریخ معاصر میهن و از جمله انقلاب مشروطه، جنبش ملی شدن صنعت نفت، بر ضد سرکوب پلیسی رژیم شاه، تدارک انقلاب ملی و دموکراتیک بهمن، بر ضد جنگ ویرانگرانه ۸ ساله، برای دموکراسی و حقوق بشر و اصلاحات بنیادی در کشور نقش کلیدی ایفاء کرده اید، امروز نیز دوشادوش، همگام و همزمان با جنبش مردمی، جنبش کارگران و زحمتکشان شهر و روستا، جنبش دانشجویی و جوانان به پیکار متحد برای آزادی، استقلال کشور، علیه نابرابری های اجتماعی، پایان دادن به سیاست های تبهکارانه رژیم خونریز و عدالت ستیز «ولایت فقیه» ادامه می دهید. نقش شما در حصول نتیجه رفراندوم عظیم «۲ خرداد ۱۳۷۶» و «نه» رسای مردم به طرفداران ذوب در ولایت در تاریخ میهن ثبت است. حزب توده ایران به همراه همه نیروهای مردمی و دموکرات پیکار تحسین برانگیز شما را در مقابله با گزندگان رژیم ستوده است.

شما نیروی تعیین کننده ای در مبارزه برای طرد رژیم ضد مردمی «ولایت فقیه» هستید. آنچه در این برهه اهمیت حیاتی دارد تحول ساختاری جنبش زنان و اتخاذ چنان اشکالی از سازماندهی است که به موازات دربر گیری سراسری زنان کشور، امکان تدوین شعارها و برنامه کلی مبارزاتی واحد را داشته باشد. چنین سازماندهی دموکراتیکی می تواند برپایه تجربه روزانه جنبش زنان و در نظر داشتن سنن مبارزاتی زنان میهن و بدور از مطلق گرایی و تحمیل اشکال غیرمنعطف، به موازات اقدام حول خواست های مشخص زنان کشور توان عظیم جنبش زنان را در خدمت مبارزه برای طرد حکومت ترور، سرکوب و بی عدالتی و زن ستیزان حاکم قرار دهد. پیدا کردن حلقه های ارتباطی مناسب جنبش زنان کشور با دیگر گردان های جنبش مردمی - دانشجویان و جوانان و کارگران - تنها راه دست یابی به آرمان های انسانی شماست.

مبارزه برای رهایی زنان از زنجیرهای استبداد، امروز یکی از مهمترین عرصه های پیکار نیروهای ملی، مترقی و آزادی خواه کشور در نبرد بر ضد رژیم «ولایت فقیه» به شمار می آید. مبارزه با ستم جنسی بخش جدایی ناپذیر و مهمی از مبارزه طبقاتی است که در جامعه علیه استعمار، ظلم و بی عدالتی در جریان است. تنها در تلفیق دقیق و هوشمندانه این مبارزات است که می توان راه را به سوی تحولات بنیادین برای رها ساختن جامعه از افکار پوسیده و قرون وسطایی هموار ساخت.

حزب توده ایران در مبارزات متنوع و برحق زنان و متشکل کردن آن ها همواره یار و مددکار زنان ستم دیده میهن بوده و خواهد بود.

کمیته مرکزی حزب توده ایران بار دیگر این روز خجسته را به همه زنان میهن مان تبریک می گوید و اطمینان دارد که نبرد برای رهایی زنان میهن از زنجیرهای استبداد قرون وسطایی به سرانجام پیروزمند خود خواهد رسید.

گرامی باد همه زنان شهید راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی درود بر زنان آزادیخواه و میهن دوست ایران!

کمیته مرکزی حزب توده ایران  
۱۶ اسفند ماه ۱۳۸۲

## آفریقای دیگری ممکن است!

### اجلاس اجتماعی آفریقا، گشایش فضایی برای ابراز وجود بینوایان!

نخستین اجلاس اجتماعی آفریقا از ۲۸ فوریه تا ۴ مارس در شهر «باماکو» (مالی)، برگزار شد. در نخستین روز اجلاس جمعیت انبوهی در میدان آزادی شهر برای شرکت در راه پیمایی «برای پنبه» گرد آمدند. شعارهای شرکت کنندگان منعکس کننده مبارزه جویی و امید به آینده بود: «شهروندان آفریقا! گوش به زنگ و هوشیار باشید»، «شهروندان جهان! فردا، شب ما روز خواهد شد!» و نیز بر روی یک باندرول (شعار پارچه ای) نوشته شده بود، «کشت کاران پنبه جنوب خشمگین هستند».

در کنار شعارها موزیک نیز جای خود را داشت. راه پیمایان با قدم های سریع به سوی استادیوم «هودی پوکیتا»، می شتافتند. جمعیت با ازدحام فراوان وارد استادیوم می شد و زمانی که گروهی از جوانان با سرود «آفریقا زیبا است» وارد شدند، فریادهای «آفرین» و «زنده باد» بر تمامی استادیوم طنین افکند. نظر به این که موضوع کشت «پنبه» و بحران ناشی از آن برای آفریقا هشدار دهنده است، نمایندگان مختلف از اتحادیه های دهقانان، از تمامی مناطق، در جایگاه مخصوصی جمع شده بودند و به نوبت رشته سخن را به دست می گرفتند. یکی از سخنرانان به نام خانم «با»، اقتصاد دان و عضو سازمان زنان، در این مورد گفت: «مالی اولین کشور تولید کننده پنبه در آفریقا است، ولی بخش اندکی از این محصول در کشور مصرف می شود و برای این که بتوان به امور رونقی داد و برای شهروندان کار ایجاد کرد، باید در محل واحدهای ریسندگی و نساجی به وجود آورد».

یک دانشجو، فرزند یک کشتگر پنبه، غرب را، به خاطر این که مصرف کنندگان را به جای استفاده از محصولات محلی به سوی استفاده از محصولات خارجی منحرف می کند، مسئول نابسامانی دانست. خانم «آمیناتا ترا اوره» که یکی از گردانندگان اجلاس بود، گفت: «ثروت جهان قبل از هر چیز و هر کس به همه مردم جهان تعلق دارد.» و نماینده «بنین» خاطر نشان ساخت که «کار دهقانان بسی سخت و دشوار است ولی در آخر کار آنان هیچ چیز ندارند.» همگان مایل بودند تا بر روی مساله «سوئید» کشورهای شمال بحث شود و علاقمند بودند که در این جهت بتوان راه گشایی کرد. تولید کنندگان پنبه، امیدواری خود را بدین سان ابراز می کردند که «این جنبش بتواند از آرمان تمام دهقانان پنبه کار دفاع کند» و به صراحت می گفتند که «خصوصی سازی مورد علاقه ما نیست، زیرا در بخش خصوصی بازرگانان هستند و آنها برای ما مشکل ایجاد خواهند کرد.» آنها سرنوشت شرکت نساجی «مالی» را در جلوی چشم داشتند. ۶۰ درصد سهام این کمپانی به دولت «مالی» و ۴۰ درصد بقیه به یک شرکت فرانسوی تعلق دارد. این شرکت به تولید کنندگان تضمین داد که پنبه آنها را به قیمت ثابت خریداری کند. تهیه بذر، کود، و عملیات سم پاشی و اداره کارخانه های تهیه علوف و دانه برای چارپایان در برنامه بود و می بایست توسط شرکت انجام گیرد. اما اکنون که شرکت به طرف خصوصی شدن حرکت می کند، هیچ اطمینانی نیست که تعهدات برشمرده، انجام پذیرد. از هم اکنون کارخانه های روغن کشی (از پنبه دانه)، به بخش خصوصی فروخته شده است. از آن گذشته شرکت، عملیات دیگر خود را که مرمت و نگهداری راه ها برای حمل و نقل محصولات، واکسینه کردن دام ها، توسعه صنایع دستی و همچنین برنامه های بهداشتی، مبارزه با بی سوادی و اداره سازمان های زنان بود را تعطیل کرده است. بدین سان است که خصوصی سازی در چشم آفریقایی ها همانگونه نمایان شده است که باید می شد. تولید پنبه اساساً در بسیاری از کشورهای آفریقای غربی جنبه حیاتی دارد. فقط در «مالی» نزدیک به سه میلیون نفر از آن امرار معاش می کنند، اما این «مانده آسمانی» به گفته «جبرئیل توزیر» تاریخ دان، با تحولات در بازرگانی جهانی، مورد تهدید قرار گرفته است. از سال های ۸۰ بود که «انهدام مناسبات و کیفیت مبادله شروع شد. رشد قابل ملاحظه «سوئید» کشورهای شمال به تولید کنندگان خودی، سبب پایین آمدن قیمت در بازار جهانی شد و در نتیجه از سود تولید کنندگان آفریقا به طور مرتب کاسته شد.» توفیق بن عبدالله، اقتصاد دان تونس گفت که «در کشورهای آفریقایی در برابر سیل مواد تولیدی،

دگرساز شده (تولیدهای تبدیلی)، که از خارج وارد می شود، این خطر وجود دارد که کشورهای آفریقایی به مرکز تولید مواد اولیه برای مابقی جهان تبدیل شوند».

واحدهای محلی نخ رسی که توسط شرکت های ملی اداره می شوند، به تدریج از بین می روند. آنها در عین حال هم قربانی رقابت با فرآورده های «شمال» هستند و هم از خصوصی سازی هایی که توسط موسسات مالی بین المللی به آنها تحمیل می شود، آسیب می بینند. شرکت کنندگان در اجلاس کوشیدند تا با قرار دادن منافع تولید کنندگان در مرکز توجه خود، راه حل هایی برای پاسخ دادن به این بحران بیابند، از جمله در نظر گرفتن «تعرفه های گمرکی» برای حمایت از تولید کنندگان محلی که توسط پاره یی از شرکت کنندگان مطرح شد. شرکت کنندگان، همچنین از خصوصی سازی های تحمیل شده از خارج مخالفت کردند و تاکید ویژه ای روی لزوم تبدیل بیشترین قسمت پنبه به نخ در محل داشتند. از سویی نیز، لزوم «مشارکت و هم آهنگی با عناصر مترقی» در مبارزه علیه «مقررات تجاری» کنونی، مورد توجه و تاکید شرکت کنندگان بود. اما اجلاس نتوانست راه حل مشخصی را علیه خصوصی سازی پیدا کند و یا راه حلی برای مشکل تبدیل ۲۶۰ هزار تن پنبه به نخ در محل تولید، در منطقه یی که ایجاد یک صنعت محلی نیاز به سرمایه مالی و فنی زیادی دارد و دولت با کمبود سرمایه برای تهیه ماشین آلات و انرژی لازم، ر و به رو است، بیابد.

بنا به گفته «آمیناتا ترا اوره»، اجلاس «هنوز در مرحله جنینی تفحص و بررسی قرار داشت» ولی به هر صورت مسایل مطرح شدند و در باره آنها بحث به عمل آمد. به طور مثال، در یک «گروه کاری» که تحت عنوان تکنولوژی، تامین مالی و تجاری کردن محصولات، تشکیل شده بود، مسایل با دقت بیشتری مورد بررسی قرار گرفت و به این مساله اشاره کردند که مشکل اساسی نداشتن امکانات مالی برای ایجاد صنایع نساجی است و اگر سرمایه گذاران خارجی در سرمایه گذاری شرکت کنند، خواست ها و قوانین خود را تحمیل خواهند کرد که به سود پنبه کاران نیست. یکی از نمایندگان گفت: «موضوع عبارت از این است که باید به آنچه که با نیروی خودمان قابل اجرا است، بماندیشیم» ولی به هر صورت مساله به کارگیری مدرن ترین ابزار ها به جای دستگاه های قدیمی که بتواند پارچه های با کیفیت بهتر و قابل رقابت در بازار را تولید کند، مورد توجه بود که این امر همچنین می تواند وضعیت دهقانان را بهبود بخشد. در میان مباحث، این مساله نیز مورد توجه بود که برای «تحلیل نرفتن» در جریان «جهانی شدن»، باید کوشید تا هویت خویش را حفظ کرد و به موازات آن مساله فرهنگی نیز مطرح خواهد بود که به گفته «فاتو سار»، جامعه شناس، «اگر آنها ما را کاملاً غرق در فرآورده های صادراتی خود شان کنند، ما همه چیز را از دست خواهیم داد، بنا بر این مساله انتخاب سیاست حمایت از تولیدات ملی است.» ولی آنطوری که

### ادامه پیام نوروزی کمیته مرکزی ...

سال ۱۳۸۲، سال ادامه دشواری های طاقث فرسای اقتصادی - اجتماعی برای اکثریت عظیم مردم میهن ما، خصوصاً کارگران و زحمتکشانش بود. ادامه سیاست های مخرب اقتصادی، که مهمترین شاخص های آن تقدس سرمایه و امنیت آن و بی توجهی کلان به حقوق زحمتکشانش و عدالت اجتماعی است، میلیون ها ایرانی را همچنان زیر فشار و محرومیت قرار داده و این در حالی است که اقلیتی بسیار محدود از سران رژیم، وابستگان آنان و «آقا زاده» ها ثروت های افسانه بی در داخل و خارج اندوخته اند و با وقاحتی کم نظیر اکثریت مردم ما را به «معنویات»، «زهده و پارسایی» و در واقع «ریاضت کشیدن» تشویق می کنند. حتی آمار رسمی رژیم تصویری به شدت نگران کننده و تاریک از وضعیت عدالت اجتماعی و تشدید دهشتناک فاصله طبقاتی به دست می دهد. مجید یاورمند، مدیرکل دفتر تأمین اجتماعی سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، در ماه های اخیر یادآور شد که خط فقر در ایران، بر اساس آمار اقتصادی سال ۱۳۷۹، درآمد ماهانه کمتر از ۷۱ هزار تومان برای خانواده های شهری و هر خانوار روستایی که کمتر از ۴۸ هزار تومان درآمد در ماه داشته باشد، تعریف گردیده است. حتی در صورت قبول این میزان درآمد به عنوان خط فقر، به گفته یاورمند، بیش از ۱۵ درصد از جمعیت ایران یعنی، نزدیک به ۱۰ میلیون از شهروندان میهن ما، زیر خط فقر زندگی می کنند (بر اساس آخرین آمار موجود، جمعیت کل کشور در انتهای سال ۱۳۸۰، معادل ۶۵ میلیون نفر برآورد شده است). فقر و محرومیت بی سابقه و گسترده تأثیرات عمیق اجتماعی با خود به همراه داشته است که مهمترین آن رشد ناهنجاری های اجتماعی، از جمله رواج فحشاء و اعتیاد گسترده در میان جوانان کشور است. میزان بی سابقه اعتیاد در میان نسل جوان در کنار بیکاری بیش از ۱۶ درصد از نیروی کار (بر اساس آمار بانک مرکزی) سیمای عریان وضعیت ناهنجار اقتصادی - اجتماعی کشور در شرایط ادامه حاکمیت رژیم ولایت فقیه است.

هم میهنان گرامی!

سال ۱۳۸۳ در وضعیت دشواری آغاز می شود. ادامه شرایط بسیار بغرنج و حساس بین المللی در همسایگی مرزهای ایران و سیاست های ضد ملی رژیم بدون توجه به منافع ملی میهن، از جمله دامن زدن به تشنج، در کنار ادامه بی حقوقی وسیع مردم و مهم تر از همه ادامه رژیم ولایت فقیه، یعنی ادامه حکومت استبداد مطلقه یک فرد بر جامعه، از جمله مهمترین معضلاتی است که در برابر همه ما قرار دارد. نزدیک به هفت سال تلاش برای اصلاح ساختار ضد مردمی حاکم و نتایج حاصله از این تلاش ها در مجموع

نشانگر تضاد آشتی ناپذیر رژیم حاکم با دموکراسی و تحقق خواست بر حق اکثریت قاطع مردم برای استقرار آزادی و عدالت اجتماعی است. تجربه هفت سال گذشته مهر باطل بر آن نظریه بی است که تلاش کرده و می کند تا میان استبداد خشن قرون وسطایی با شهروندان جان به لب رسیده از ظلم و بی عدالتی «وفاق ملی» برقرار کند. تجربه هفت سال گذشته شکست آن نظریه بود که مدعی بود «می توان با وجود ولایت فقیه به همه آزادی ها دست یافت!» و بالاخره تجربه هفت سال گذشته درس گرانبهای کم توجهی به امر سازمان دهی توده ها و قشرهای گوناگون اجتماعی و متحد کردن آنان در صف واحد برای نبرد مشترک با ارتجاع حاکم بود. سال ۱۳۸۲ در شرایطی پایان یافت که بی توجهی به مسایل بالا هزینه های بسیار سنگینی برای جنبش مردمی به همراه آورد. جنبش دانشجویی در مصافی نا برابر با مزدوران مسلح و نیمه مسلح و دستگاه های سرکوب رژیم متحمل تلفات سنگینی شد، اعتماد مردم به روند اصلاحات از بین رفت و ارتجاع توانست با ایجاد چند دستگی و با تکیه بر مماشات و ضعف های جدی برخی از رهبران اصلی جبهه اصلاح طلبان حکومتی برخی مواضع مهم از دست رفته را باز پس بگیرد و به سمت یکدست کردن حاکمیت یعنی فیصله دادن حکومت خاتمی گام های اساسی بردارد.

هم میهنان عزیز!

سال های محرومیت فزاینده برای شما، سال های تضییقات لجام گسیخته حکومت ولایت فقیه بر ضد شما یک درس و تنها یک درس بزرگ را به همه ما یادآور می شود و «آهم این که تا صفوف رزم و پیکار خود را علیه استبداد ولایتی حاکم بر میهن منسجم نسازیم و جبهه وسیع از همه مبارزان ضد استبداد حاکم، از همه نیروهای سیاسی، اجتماعی و صنفی و همه شخصیت های ملی، اجتماعی و سیاسی کشور تشکیل نگردد، در برهمن پاشنه کهنه خواهد گشت. کمیته مرکزی حزب توده ایران ضمن شادباش سال نو، به خاطره تابناک همه شهدای راه آزادی درود می فرستد و امیدوار است که سال ۱۳۸۳ سال تشدید مبارزه برای آزادی کلیه زندانیان سیاسی از سیاه چال های رژیم ارتجاع و سال پیروزی های بزرگ برای جنبش مردمی میهن ما باشد.

### کمیته مرکزی حزب توده ایران

۲۶ اسفندماه ۱۳۸۲

### ادامه نظریه اولیه حزب کمونیست ...

پافشاری بر برابری و حق تابعیت عراقی، متوازن بودن خود را روشن می کند. این سند در هر صورت، می تواند توافق و سازش قابل پذیرشی بین دیدگاه ها، نظرات و منافع گوناگون اجزای تشکیل دهنده جامعه ما قلمداد شود. بنابراین هیچ فاتح یا مغلوب، برنده و یا بازنده بی وجود ندارد. این سند فرصتی را برای همه آنهاهی که قلبشان برای منافع کشور و سربلندی مردمی که ظلم، دیکتاتوری و جنایات را طرد می کنند، می تپد، برای مشارکت گسترده و مسئولانه در راستای بازسازی سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کشور، به وجود می آورد. گفته های مختصر بالا به هیچ وجه جایگزین ضرورت مطالعه دقیق این سند با نه فصل و ۶۲ بند آن نیستند. بگذارید این تفسیر اولیه، مطالعه دقیق و گفتگوهای گسترده را به منظور تضمین امنیت مردم در رسیدگی مستقیم و شرکت در نظارت بر اجرای درست این سند مهم و پایبندی به قوانین حاکم بر آن را آغازگر باشد.

### ادامه آفریقای دیگری ممکن است ...

«آتوک»، نماینده بی از فرانسه گفت، «به هنگامی که بازارها می جنگند تا دولت را به مثابه یک بازیگر «اقتصادی» حذف کنند، چگونه می توان از انتخاب سیاسی سخن نگفت. این ایدئولوژی می خواهد با تلقین این فکر که تنها یک راه حل برای ایجاد یک اقتصاد موثر و نیرومند در آفریقا وجود دارد، انتخاب سیاسی و سیاست را بی اعتبار و بی ارزش جلوه دهد. این ایدئولوژی در لفافه «حاکمیت خوب»، انهدام بخش همگانی و حتی انهدام خود دولت را مورد ستایش قرار می دهد.» یک اقتصاد دان سنگالی گفت که این دموکراسی است که زیر ضربه قرار دارد، زیرا «دولت های ما خود را در برابر سازمان های مالی جهانی مسئول می دانند و نه در برابر انتخاب کنندگان خویش، حتی در «مالی». چگونه می توان از دموکراسی سخن گفت وقتی که به حقوق اقتصادی ما احترام گذاشته نمی شود؟ به نظر بسیاری از شرکت کنندگان، جنبش اجتماعی آفریقا فقط در مرحله طراحی اولیه خویش است ولی با این همه در راهروهای کاخ کنگره «باماکو» (محل برگزاری اجلاس)، بحث و گفت و گو و جنب و جوش دهقانان، روشنفکران، هنرپیشگان، پیشه وران، صنعت گران و سندیکالیست ها، همه نشان از خرسندی همگان از اجلاس بود، زیرا با وجود عدم دست یابی به یک پاسخ منسجم، لاقط، اجلاس این شایستگی را به نمایش گذارد که روی مسایل و مشکلات تولید کنندگان پنبه تامل کند و برای بینوایان، برای این که بتوانند نظرات خود را بیان کنند، فضای ایجاد کند. و این آغاز بزرگی بود.

## ادامه نقض دموکراسی ...

به دست آوردن رهبری و کنترل جهان، سبب افزایش خشونت در تمامی جهان و به خطر افتادن هستی بشری و استقلال و تمامیت ارضی بسیاری از کشورهای جهان شده است. یکی از این پرونده ها مربوط به جنگ بر ضد عراق است، که در آن به بهانه نابود کردن «سلاح های کشتار جمعی»، بمباران بی امانی بر ضد این کشور و مردم آن صورت گرفت که بسیاری آن را «جنایت جنگی» دانسته اند. بنا به گزارش نشریه «اینپندنت» انگلستان، در جنگ عراق بیش از ۱۶ هزار نفر عراقی کشته شدند که بیش از ده هزار نفر آنها افراد غیر نظامی بودند. بنا به همین گزارش، از سال ۱۹۹۰ به بعد، آمریکا از نیروهای نظامی خود در بیش از ۴۰ کشور جهان استفاده کرده است.

همچنین بنا بر آمار کتاب «دولت های یاغی، راهی برای قدرت بلامنزاع جهان شدن»، اثر روزنامه نگار و نویسنده آمریکایی، ویلیام بلوم، نشان داده شده است که از سال ۱۹۴۵ به بعد، آمریکا در سرنگونی ۴۰ دولت خارجی و سرکوب بیش از ۳۰ جنبش ملی، شرکت داشته است که در آنها میلیون ها نفر جان خود را از دست دادند و بیش از این تعداد یا مفقود شدند و یا به اجبار راه مهاجرت و تبعید را برگزیدند و یا به زندان های طولانی مدت محکوم شدند. استفاده بی رویه و غیر قانونی از مهمات ساخته شده با اورانیوم ضعیف شده در بمباران های وسیع در جنگ نیز یکی دیگر از پرونده های اقدام های ضد بشری بر ضد آمریکا است. در دسامبر سال گذشته دیده بان حقوق بشر بیش از ۱۳ هزار بمب های خوشه ای را که آمریکا در جنگ عراق استفاده کرده بود، مورد بررسی قرار داد. این بمب ها که در ساختن آنها اورانیوم ضعیف شده به کار گرفته شده باعث مرگ چندین هزار نفر مردم شد. تاریخ استفاده از اورانیوم ضعیف شده در بمب های آمریکایی، به جنگ بر ضد عراق در سال ۱۹۹۱ بر می گردد. در گزارش دیده بان حقوق بشر به زندانی کردن بیش از ۶۸۰ نفر از ۴۰ کشور مختلف جهان، تحت نام اعضای «خطرناک» گروه القاعده، در خلیج «گوانتانامو»، توسط نیروهای آمریکایی نیز اشاره شده است. افرادی که از حق هرگونه دفاع و حمایتی محرومند و هیچ دادگاهی برای رسیدگی به پرونده های آنها تشکیل نمی

شود. بنا به ادعای دولت آمریکا، این افراد «اسیران جنگی» نیستند و به همین دلیل نیز قوانین مندرج در کنوانسیون ژنو برای زندانیان جنگی، شامل حال این افراد نمی شود. بنا به همین گزارش، افراد بومی کشورهای که به اشغال نیروهای آمریکایی در آمده اند و یا نیروهای آمریکایی در آنها حضور یافته اند، به دفعات، مورد تحقیر، آزار و اذیت و تجاوز قرار گرفته اند. از جمله بیش از یکصد نظامی مستقر در پایگاه های دریایی آمریکا در ژاپن متهم به تجاوز های متعدد در جزیره اکیناوی ژاپن شده اند. گزارش های مشابهی در مورد کادرهای نظامی آمریکایی مستقر در استرالیا، عراق و افغانستان نیز وجود دارد. ایالات متحده کشوری است که بالاترین تعداد نیروی نظامی را در خارج از مرزهای خود دارد. بنا به آمار موجود، بیش از ۳۶۴ هزار نیروی نظامی آمریکا در ۱۳۰ کشور جهان حضور دارند. البته این کشور فقط به لحاظ تعداد نظامیان خود در دیگر کشورها نیست که در مقام اول قرار دارد- تولید و تجارت اسلحه نیز از «نقاط قدرت» امپریالیسم یانکی است. بنا به گزارش نیویورک تایمز، صادرات نظامی ایالات متحده در سال ۲۰۰۲ با در دست داشتن بیش از ۴۵.۵ درصد از صادرات نظامی جهان، در مقام اول قرار داشت. از نظر ارزش، ایالات متحده فروشی معادل با ۸.۶ میلیارد دلار سلاح نظامی به کشورهای روبه رشد داشت، که برابر با ۴۸.۶ درصد کل سلاح تولید شده توسط کشورهای پیشرفته است. آنچه که گذشت نمونه های بارزی از زیر پا گذاشتن جدی دموکراسی، قانون و حقوق بشر توسط آمریکاست. آنچه که کما بیش در تمامی کشورهای پیشرفته سرمایه داری به وقوع می پیوندد و با روند کنونی نیز شرایط به مراتب وخیم تری نیز برای مردم این کشورها به وجود می آید. در چنین شرایطی، سخنان عوامفریبانه «تونی بلر»، در مورد «دموکراتیزه» کردن کشورهای «غیر دموکراتیک» و «پیشنهاد» تغییر «در قوانین بین المللی، تنها مقدمه ای برای بازتر کردن راه برای حمله و تجاوز به کشورهای دیگر و بازی کردن نقش پلیس جهانی تحت نظارت و «آقای» آمریکاست. همچنان که تونی بلر در سخنان خود به آن اشاره کرده است: «... این جنگ تمام نشده است. این شاید تنها پایان مرحله اول باشد». جنگی که هدف آن کسب رهبری جهان برای ایالات متحده به هر قیمت است. جنگی که مردم جهان قیمت گزافی را باید برای آن بپردازند، آنچنان که در یوگسلاوی، افغانستان، عراق و هائیتی صورت گرفت. وهنوز هستند کشورهایی که در لیست توسعه طلبی های آمریکا و انگلستان قرار دارند. آیا ونزوئلا و کوبا هدف های بعدی خواهند بود؟

## نظریه اولیه حزب کمونیست عراق پیرامون قانون اداره دولت عراق در دوران گذار

آنچه در زیر می آید قسمت هایی از سرمقاله منشر شده در روزنامه طریق الشعب، ارگان مرکزی حزب کمونیست عراق، در تاریخ ۸ ماه مارس، است که نظریه اولیه حزب برادر درباره قانون اداره دولت در دوران انتقال است که، توسط شورای حکومتی موقت عراق، به تصویب رسید. این قانون مهم، حیات سیاسی کشور را هدایت و سازماندهی خواهد داد، مناسبات اولیاء امور را تعیین خواهد کرد، نقشه انتقال قدرت به مردم عراق، پایان اشغال و اعاده دوباره استقلال و حق حاکمیت، ساختمان دموکراسی در طی دو سال آینده را ترسیم خواهد نمود و مقدمات طرح ریزی قانون اساسی دائمی و برگزاری انتخابات عمومی را فراهم خواهد آورد. این سند هنوز قانون اساسی دائم نیست بلکه برای دوران گذار کنونی تدوین شده است در نتیجه در شکل گیری قانون اساسی آینده نقش پراهمیتی خواهد داشت. اهداف فوق، اهمیت سیاسی، برنامه یی و کاربردی این سند در زندگی مردم عراق را، در حال و آینده روشن می کند. در صورت اجرای صحیح و وفاداری به محتوای سند، با تحکیم حقوق و آزادی های شهروندان، گروهها و قشرهای تشکیل دهنده عراق و تضمین به کار بردن این حقوق می توان به دستاوردهای بسیاری نائل شد. بنابراین سند به بسیج تلاشهای مردم عراق کمک کرده و بر آن راهکارهایی که به امنیت و ثبات، حق حاکمیت، استقلال، تثبیت دموکراسی و حاکمیت قانون و ساختمان جامعه مدنی و همچنین محو همه بازمانده های جنایات مرتکب شده توسط رژیم دیکتاتوری شکست خورده (سیاسی، فرهنگی، ملی، مذهبی بر اساس علم جامعه شناختی) توجه می کند. البته باید در نظر داشت که این سند نه بدون نقص و نه ایده آل است، بلکه نتیجه توافق میان نیروها، احزاب و شخصیت هایی با بینش ها و گرایشات سیاسی گوناگون است. سند، حاصل پدیده های موجود در یک کشور تحت اشغال، برآیند نیروها و جو سیاسی حاکم (داخلی، منطقه یی و بین المللی) است. علیرغم برخی ناکامیها (مانند عدم مشارکت مردم در بحثها، پیش از تصویب آن) و کمبودهایی در برخی از بندها (در رابطه با نقش ضعیف سازمان ملل در نظارت بر پیاده کردن آن، تعهد ضعیف دولت برای تسهیل خدمات عمومی و امنیت، ناروشنی در رابطه با نقش نیروهای خارجی بین المللی در دوران انتقال و غیره)، باید گفت این سند در ماهیت و مفهوم کلی مثبت بوده و به نیازهای عاجل و مشروع طیف های سیاسی، ملی، مذهبی و فرهنگی و قشرهای تشکیل دهنده جامعه عراقی پاسخ می دهد. و دیگر این که این سند تجلی واقعیت عینی سیاسی و فصل مشترک آرمانهای لایه های مختلف مردم ما زیر تأثیر پیچیده ترین و حساسترین شرایطی است که در تاریخ معاصر با آن رو به رو بوده اند. سند در شیوه یی که به هویت کشور می پردازد با تاکید روشن بر حقوق و آزادیهای شهروندان، با

ادامه در صفحه ۶

## نقض دموکراسی و حقوق بشر در آمریکا!

دولت آمریکا در سال های اخیر هدف «نظم نوین جهانی» تحمیلی خود را گسترش دموکراسی و حکومت قانون معرفی کرده است. به بهانه گسترش این ایده آل ها جنگ های «صلیبی» در یوگسلاوی و افغانستان و عراق تحمیل شد. ولیکن حقیقت اینست که از آن «دموکراسی»، «آزادی»، «حقوق بشر» و «قانون» ی که بوش و بلر از آن سخن می گویند و وعده آن را می دهند، حتی در «مهد دموکراسی» سرمایه داری، ایالات متحده، نیز خبری نیست. نه که نشان واقعی از دموکراسی و قانون در آن نمی توان یافت، بلکه به دلیل نقض «دموکراسی»، «آزادی»، «حقوق بشر» و «قانون»، مردم این کشور به طور وسیعی از نارسایی های سیاسی و مدنی رنج می برند و به علت تبعیض های فردی و اجتماعی، فشارهای اجتماعی و سیاسی در این کشور رو به افزایش گذاشته است. در سرزمین «موعود»، به خاطر وجود قوانین ضد مردمی و ضد اجتماعی، همه روزه تعداد کثیری از مردم دچار فقر، تنگدستی، بیکاری و آوارگی می شوند.

بنابه گزارش های منتشر شده از سوی سازمان ها و نهادهای رسمی دولتی آمریکا، حقوق بشر در این کشور به صورت جدی نادیده گرفته می شود و نابرابری های اقتصادی و اجتماعی، به صورت لجام گسیخته ای روبه افزایش است. در گزارش سازمان بودجه و مدیریت کنگره آمریکا برای سال ۲۰۰۳، بر این مساله تاکید شده است که فاصله بین ثروتمندان و فقرا بیش از هر زمان دیگر در هفتاد سال گذشته بیشتر شده است. دارایی یک درصد ثروتمند ترین افراد آمریکا بیش از دارایی ۴۰ درصد کل مردم کشور است. این رقم در سال ۱۹۷۹ برابر با ۷/۵ درصد و در سال ۲۰۰۰ برابر با ۱۵/۵ درصد بود. گزارش دیگری از خزانه داری کل آمریکا، نشان می دهد که در بین سال های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۱، فاصله دارایی های ثروتمندترین و فقیرترین بخش های جمعیت کشور بیش از هفتاد درصد شده است. بنا به اداره سرشماری آمریکا نیز تعداد افرادی که به زیر خط فقر کشیده می شوند، برای دومین سال متوالی رو به افزایش بوده است و در حال حاضر بیش از ۳۴.۶ میلیون نفر در زیر خط فقر زندگی می کنند که برابر با ۱۲،۱ درصد کل جمعیت آمریکا است و نسبت به سال ۲۰۰۲، افزایشی معادل ۱،۷ میلیون نفر را نشان می دهد. در اکتبر سال ۲۰۰۳ اداره امور کشاورزی گزارش داد که در سال ۲۰۰۲ بیش از ۱۲ میلیون آمریکایی برای تهیه مواد غذایی در مضیقه بودند و بیش از ۳،۸ میلیون نفر از گرسنگی رنج می کشیدند. بنا به گزارش سازمان حقوق بشر تعداد افراد بی خانمان همچنان رو به افزایش است و در سال ۲۰۰۲ تعداد افراد بی خانمان برابر با ۳ میلیون نفر بود. طبق آمار اعلام شده، ۸۸ درصد شهرهای آمریکا اعلام کرده اند که شرایط در سال ۲۰۰۴ به مراتب وخیم تر از سال گذشته خواهد بود.

در مورد تامین سلامتی کارگران، بنا به گزارش نیویورک تایمز، عدم رعایت ضوابط و قوانین حفاظتی کار، در بین سال های ۱۹۸۲ تا ۲۰۰۲، باعث ۱۲۴۲ حادثه کاری منجر به مرگ کارگران شده است. با این حال ۹۳ درصد وقایع به دادگاه رجوع داده نشده اند. بیمه های اجتماعی و درمانی از دیگر مشکلات جدی مردم آمریکا است که به علت هزینه های بالای آن رو به وخامت می رود و همه روزه تعداد بیشتری از مردم از پوشش بیمه های درمانی و اجتماعی خارج می شوند. بنا به گزارش سازمان سرشماری آمریکا، در اکتبر سال ۲۰۰۳ تعداد آمریکایی های بدون بیمه ۵،۷ درصد نسبت به سال ۲۰۰۱ افزایش داشته است که در حال حاضر ۴۳،۶ میلیون نفر را شامل می شود و این رقم بالاترین تعداد در دهه گذشته است. در مجموع ۱۵،۲ درصد مردم آمریکا در سال ۲۰۰۲ بیمه درمانی نداشتند.

### حقوق زنان و کودکان

بنا به گزارش دیده بان حقوق بشر در سال ۲۰۰۳ در رابطه با ایالات متحده، زنان از حقوق برابر با مردان محرومند و کمتر در امور دولتی و سیاسی شرکت داده می شوند. بنا به گزارش مرکز فعالیت سیاسی زنان آمریکا، در سال ۲۰۰۳، زنان این کشور ۵۹ نماینده در

مجلس نمایندگان (برابر با ۱۳،۶ درصد) و ۱۴ نماینده در مجلس سنا (برابر با ۱۴ درصد) داشتند. بنا به همین گزارش، زنان آمریکایی در برابر شغل مساوی از دستمزد برابر برخوردار نیستند و عموماً نیز از دادن مشاغل جدی و مسئولیت به زنان، امتناع می شود. آمار اداره کار نشان می دهد که در سال ۲۰۰۲، دستمزد زنان برابر با ۵۳۰ دلار بود که ۷۷،۹ درصد دستمزد مردان در مشاغل مشابه است. بنا به گزارش سازمان ملی مبارزه با خشونت های خانوادگی، ۹۲ درصد از زنان آمریکایی، خشونت جسمی و جنسی بر ضد زنان را یکی از بالاترین نگرانی های خود در زندگی می دانند. از هر سه زن آمریکایی، یک نفر مورد خشونت جسمی قرار می گیرد که از هر هفت مورد آن، تنها یک مورد به شکایت کشیده می شود. بنا به همین گزارش، حمایت از کودکان در آمریکا با استانداردهای بین المللی فاصله بسیاری دارد. ایالات متحده یکی از دو کشور در جهان است که قطعنامه حمایت از کودکان را تا کنون امضا نکرده است. از سال ۱۹۸۰، تمامی ایالت های آمریکا حداقل سن مجازات برای کودکان و نوجوانان را کاهش داده اند و در برخی از مناطق آمریکا کودکان ۱۰ ساله در دادگاه های ویژه بزرگسالان محاکمه می شوند. ایالات متحده به لحاظ تعداد جوانانی که به مجازات مرگ و اعدام محکوم می شوند، در جهان مقام اول را دارد. بنا به گزارش سازمان عفو بین الملل، که در روز ۲۱ ژانویه ۲۰۰۴ منتشر شد، دو سوم اعدام ثبت شده جوانان در جهان، در ایالات متحده رخ داده است. در تاریخ اعلام شده نیز بیش از ۸۰ زندانی جوان دیگر در زندان های آمریکا منتظر اعدام بودند.

کودکان آمریکایی همچنین از نظر فقر در میان کشورهای پیشرفته صنعتی در مقام اول قرار دارند و بالاترین درصد مرگ و میر بین نوزادان و کودکان نیز در این کشور است. بنا به گزارش اداره سرشماری ایالات متحده، منتشره در سپتامبر ۲۰۰۳، بیش ۱۰،۴ درصد کودکان آمریکایی در سال ۲۰۰۲، در زیر خط فقر زندگی می کردند که در برگیرنده ۱۳ میلیون کودک آمریکایی ست و بنا به گزارش بخش کودکان سازمان ملل متحد، در میان ۲۷ کشور پیشرفته جهان، آمریکا بالاترین آمار مرگ و میر بین کودکان بر اثر حوادث و بی احتیاطی و خشونت را دارد.

### آمریکا ناقض حقوق بشر در سایر کشورها

ایالات متحده علاوه بر نقض حقوق بشر در داخل آمریکا، به طور گسترده ای ناقض حقوق بشر در سایر کشورهای جهان نیز بوده است. بنا به گزارش دیده بان حقوق بشر در سال ۲۰۰۳، سیاست های برتری جویانه و جنگ طلبانه آمریکا برای

ادامه در صفحه ۷

### کمک های مالی رسیده

به یاد دکتر تقی ارانی از دانمارک ۱۰۰۰ کرون

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هر گونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany  
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK  
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

**Nameh Mardom-NO 682**  
**Central Organ of the Tudeh Party of Iran**

16 March 2004

**شماره فاکس و**  
**تلفن پیام گیر ما**  
۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e.V. نام  
790020580 شماره حساب  
10050000 کد بانک  
Berliner Sparkasse بانک